

انواع وراثت :

۱- وراثت نوعی : و آن عبارت از این است که خصوصیات یک نوع به افراد همان نوع منتقل گردد ، باین معنی که نسل میمون میمون خواهد بود ، چون ژنهای نروماده ، حامل خصوصیات نوعی (میمونی) است و نسل الاغ ، الاغ خواهد بود ، و در قاطر خصوصیات اسب و الاغ دیده میشود . و همچنین در نباتات و حیوانات .

۲- وراثت خصوصی یا فردی : و آن عبارت از انتقال خصوصیات آباء و اجداد به نسلهای بعدی است و این نوع وراثت مخصوص سلسله نسبی است که نسل و فرع از آن متولد میشود . و آن نیز سه قسم است :

نقش وراثت

الف - وراثت جسمانی : وآن وراثت خصوصیاتی است که با جسم پیوستگی دارند مانند گروه خون ، شکل ، طول قامت ، رنگ صورت و مو چشم ، فرم صورت ، و امثال آن . و دانشمندان با تحقیقات زیادی باین نتیجه رسیدند که این امور در حد وسیعی تحت تاثیر عوامل وراثتی قرار دارند رنگ و شکل چشمها ، اندازه و شکل بینی ، دندانها حساسیت ، و امثال آنها تا حد و زیادی تابع عوامل ارثی است بنا بر این اگر پدر و مادری سیاه پوست باشند بچه سفید پوست نخواهد بود . و بالاخره خصوصیات جسمانی تابع عوامل وراثتی است .

دُنهای بارز و مکنون

وراثت از اجداد دور دست :

ممکن است ، نسل ، دارای صفاتی باشد که والدین و حتی اجداد نزدیک فاقد آن باشند . آزمایشهایی که مندل درباره ژنها بعمل آورده است ثابت کرد که صفات موروثی در اثر ژنها منتقل میشوند ، آزمایش وی راه را برای تحقیق دامنه داری در زیست شناسی باز کرد . اولین کشف مندل این بود که مشخصات ارثی تحت کنترل عواملی است که بعداً "ژن نامیده شد ، و دیگر آنکه کشف کرد که بعضی از این عوامل پارزنتد و بعضی مکنون و مستور ، عبارت دیگر بعضی قدرت بیشتری برای ظهور دارند و برخی مکنون میمانند . معنی واقعی مکنون و مستور آنست که اگر ژنی در مقابل خود ژن بارزی از همان صفت و مشخص داشته باشد آن ژن مستور غیر فعال خواهد بود ولی اگر همین ژن مستور در مقابل خود ژن بارز نداشته باشد صفت یا مشخص مربوط بخود را ظاهر میسازد . با ذکر این بحث کوتاه میتوان دریافت که اولاً چگونه فرزندان یک خانواده بهم شباهت دارند ، و ثانیاً چگونه

فرزندان باهم اختلاف دارند ، و ثالثاً " چگونه صفت یا مشخصه در یک نسل دیده میشود که پدر و مادری حتی اجداد نزدیک فاقد آن بودند .

روایات بسیاری این نکته را تاءیید کرده است . " عن ابیعبد الله (ع) (الصادق) : ان الله تبارک و تعالی اذا اراد ان یخلق خلقاً " جمع کل صوره بینه و بین ابیه الی آدم ثم خلقه علی صوره احد هم فلا یقولن احد هذا لایشبهنی و لایشبه شیئاً " من آباءئی (۱) "

از ابی عبدالله (ع) روایت شده است : وقتی خدا بخواهد موجود انسانی را خلق کند هر صورتی که میان او و میان پدر او تا آدم وجود دارد جمع میکند سپس آنرا بیکی از صورتهای می آفریند . کسی نباید بگوید این فرزند من بمن و یا بیکی از آباء من شباهت ندارد .

و نیز از ابی جعفر امام صادق (ع) روایت شده که :

مردی از انصار نزد پیغمبر (ص) آمد و اشاره به زنش ، به پیغمبر عرض کرد : این زن ، دختر عمه و زن من است و جز خیر و پاکی ، امری از او مشاهده نکرده ام ، ولی این زن من ، فرزندی آورد بسیار سیاه ، در حالیکه سوراخهای بینی گشاده ، باموی مجعد و پیچیده ، و بینی پهن که مانند او را در میان هیچیک از نزدیکان و اجداد خود نمی شناسم . پیغمبر به زن فرمود : تو چه میگوئی ؟ زن پاسخ داد ، سوگند به خدائی که حقا " تو را به عنوان پیغمبری فرستاد ، هرگز دچار انحراف نشده ام . پیغمبر سرش را بزیر انداخت ، سپس بسوی آسمان نگاه کرد . و فرمود : ای مرد هیچکس نیست جز اینکه میان او و آدم نودونه عرق وجود دارد ، همه آنها در نسب فعالیت میکنند . وقتی نطفه در رحم قرار گرفت این عرقها به اضطراب در می آیند . و نطفه

بهر حال صفات جسمانی نسلهای انسانی معلول عوامل وراثت است، ولی معدک تاثیر عوامل فرهنگی را نباید فراموش کرد، زیرا روش زندگی مردم یک جامعه، علاوه بر اینکه در سایر جنبه‌های رشد موثر است، در خصوصیات بدنی نیز تاثیر میکند. تحقیقاتی که در مورد جوانان آمریکائی بعمل آمده نشان میدهد که قد آنها در این زمان از قد والدین آنها بلندتر است و دختران آمریکائی زودتر از دختران ممالک دیگر وارد دوره قاعدگی میشوند. (۴)

مطالعه در مورد بچه‌های ژاپونی - که به سواحل غربی امریکا مهاجرت کرده‌اند - نشان میدهد آنها از بچه‌های همسن خود - که در ژاپون پرورش یافته‌اند - بلند قدرتر ولی از بچه‌های امریکائی همسن خود کوتاه‌ترند. این مطالعات اثر میراث فرهنگی را ظاهر میسازد و ضمناً نفوذ ارثی بیولوژیکی یا زیستی را در رشد افراد نشان میدهد.

ب- وراثت عقلی : مانند خصوصیات هوش عمومی، یا هوش خانوادگی و نوعی، و وراثت مزاج (۵) و وراثت قوای عقلی مانند حافظه و ذاکره و خیال آنطور که روانشناسان درباره وراثت خصوصیات جسمانی، اتفاق دارند درباره خصوصیات روانی و عقلانی باید دیگر توافق عقیده ندارند، اگر چه برخی درباره عوامل محیطی راه افراط و مبالغه را پیش گرفته‌اند، و معتقد گشتند که محیط، عامل اساسی در رشد هوش افراد است. واتسون (۶) موسس مکتب رفتار - عقیده دارد: رشد بچه‌ها - مخصوصاً - در جنبه روانی - تابع محیط است. ولی عده‌ای در جانب وراثت، راه افراط را پیش گرفتند، و خصوصیات روانی را محصول عوامل ارثی میدانند. وعده‌ای نیز، راه میانه گرفته و پاره‌ای از خصوصیات روانی، مانند:

درخواست تشبه به یکی از آنها مینماید، و این فرزند از عرفها (و ژنها) ئی است که اجداد تو و اجداد اجداد تو آنرا درک نکرده‌اند، بگیر فرزند خود را. (۲)

قضیه بازگشت به اصل، و وراثت از اجداد دور دست، حتی دانشمندان بیولوژی دنیای امروز را سرگردان کرده است. ولی پیغمبر اسلام (ص) پیش از این، آنرا متذکر گردید. چنانکه در حدیثی آمده است که:

"ضمضم بن قتاده از زنی که از بنی عجل داشت دارای فرزندی سیاه فام شد و در دلش نسبت به زنش احساس سوءظن میکرد. لذا نزد پیغمبر اسلام آمد و به عرض رساند: که ز منم فرزند سیاهی به دنیا آورد. تردیدی نیست که شاکی در هیجان عجیبی بسر میبرد، و هیچ دلیلی نمیتوانست او را قانع کند، ولی پیغمبر اسلام با منطقی مانوس و خوشایند خواست پاسخی از خود ضمضم دریافت

کند. لذا سؤال کرد: آیا شتر داری؟ گفت آری پرسید چه رنگی دارد؟ عرض کرد: سیاه. فرمود: آیدار میان شتران تو شتر خاکستری رنگ دیده میشود؟ عرض کرد: آری، فرمود: از کجا این رنگ را پیدا کرد؟ عرض کرد شاید عرق (وژنی) او را درک کرده باشد. فرمود: فرزند تو نیز ممکن است عرقی او را درک کرده باشد. سپس پیره زنهای قبیله بنی عجل خبر دادند که این زن دارای جده‌ای بوده که سیاه فام بوده است (۳) رسول اکرم (ص) قضیه بازگشت به اصل و امکان شایهت فرزند به یکی از اجداد دور دست را این چنین بیان کرده است، زیرا این شایهت در طلب هاستقل و دست بدست میگردد، تا آنگاه که در صورت و چهره واندام و یاباطن یکی از اولاد بروز مینماید.

هوش ، و یاجنبه‌های عاطفی ، و طبع و مزاج اشخاص را معلول عوامل ارثی و سایر خصوصیات مانند عادات اجتماعی و رفتار اخلاقی ، و طرز برخورد با اشیاء و اشخاص را معلول عوامل محیط تلقی کرده‌اند .

ولی آمار نشان داده است که برخی خانواده‌ها دارای نوعی خاص از تخیل میباشند . و بیشتر فرزندان موسیقیدان‌ها در این هنر مهارت دارند و اکثر نقاشها ، فرزندان نقاش بوده‌اند .

و نیز ثابت شده است که بیشتر سگها دارای خصوصیتی هستند که از سگهای دیگر از لحاظ هوش و مزاج و وجدان و علاقه و تمایل ، فرق دارند ، و این خصوصیات در نسلهای آنها ظاهر میشود .

تردیدی نیست که افراد یک خانواده بشری با افراد خانواده دیگر در بسیاری از خصوصیات عقلانی و روانی فرق دارند ؛ برخی از آنها دچار ضعف عقلی ، و جنون هستند ، و بعضی خلاف آن . و همچنین مزاجها و ارثی است : مزاج پریشان و زود رنج ، و مزاج آرام و معتدل ، یا استعداد جرم و گناه ، همه آنها تحت تاثیر عوامل ارثی قرار دارند . پیغمبر اسلام میفرماید : "ایاکم و تزویج الحمقاء فان صحبتها بلا و ولدها ضیاع" (۷)

از ازدواج با زنهای احمق و کم هوش اجتناب کنید ، زیرا مصاحبت با آنها ناگوار و فرزندى که از او متولد میشود تباه و بی ارزش است .

و نیز از ابی جعفر روایت شده است که برخی از اصحاب از پیغمبر اسلام راجع به فردی که تحت تاثیر زیبایی زنی قرار گرفت که دیوانه بود سؤال کردند : آیا میتواند با او ازدواج کند ؟

پیغمبر فرمود : نه ، ولی اگر دارای کنیز دیوانه باشد ، میتواند با او زناشویی کند ، ولی فرزندى از او نخواهد (یعنی از او تولید نسل ننماید) (۸)

آمار کالیکاک (۹) و امثال آن ناظر به همین حقیقت است ، که خصوصیات عقلی و مزاجی را فرع از اصل از راه وراثت دریافت میدارد .

اگر چه محیط در توجیه خصوصیات موروثی و رشد آنها بی اثر نیست ، ولی تردیدی نیست که استعداد این خصوصیات ، موروثی است . ممکن نیست که محیط ، شاعری مانند فردوسی یا سعدی تربیت کند در حالیکه موهبت و استعدادی که به فردوسی و سعدی ارزانی شده بود ، نداشته باشد اگر چه محیط از لحاظ فرهنگ و تربیت در عالیترین سطوح قرار داشته باشد .

چ - وراثت اخلاقی : به این مطلب در وراثت عقلی اشاره شد ، زیرا هوش عامل مهمی در اخلاق است ، و رفتار اخلاقی فرد ، تا حد مهمی مربوط به هوش او میباشد ، و مزاج عامل دیگری برای اخلاق است . و ما در وراثت عقلی از آن گفتگو کردیم . مزاج اگر چه اصل آن فیزیولوژی است ، ولی آثار آن در رفتار انسان ظاهر میشود ، چون عقل و اخلاق نتیجه حالات روانی فرد است . و قضیه خانواده کالیکاک موید این مطلب است پیغمبر اسلام فرمود :

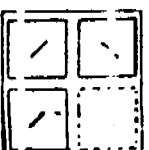
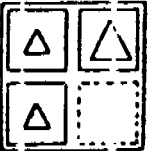
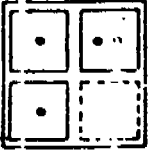
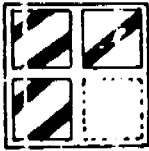
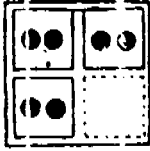
"حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق (۱۰)"
حسن خلق دلیل پاکى و اصلت ریشه و عرقها (و ژنها) است .

و این روایت ، صریح است در این که اخلاق تا مقدار زیادی تحت تاثیر عوامل وراثت است .

برخی تصور میکنند که محیط ، دارای تاثیر عمیقی در ایجاد جرم ، و بالاخره در طرز اخلاق است . اگر چه مامکر اثر محیط نیستیم ولی میبینیم برخی جانیها و منکرین با انجام شورو جرائم ، احساس لذت و رضایت خاطر مینمایند . اینگونه افراد بدون شک ، جرم

بقیه در صفحه ۶۶

TEST



هوش آزمائی

کنکاش پیرامون تفاوت‌های فردی تقریباً " مربوط میشود به اواخر سالهای ۱۸۰۰ میلادی زمانی که فرانسیس گالتن (Galton) سعی مینماید که هوش افراد را بر اساس توانائی‌های حسی و حرکتی ، تشخیص وزن دوشیی مختلف و با بررسی دیگر واکنشهای بدنی آنها اندازه‌گیری نماید .

این شیوه روانشناسی و روان آزمائی گالتن جنب وجوش قابل ملاحظه‌ای را در اروپا و امریکا ایجاد مینماید تا آنکه در اوایل سالهای ۱۹۰۰ مشخص میگردد که این قبیل اندازه‌گیریهای هوشی رابطه آنچنان قوی با پیشرفت تحصیلی افراد در مدرسه ندارد .

در حدود سال ۱۸۹۵ ، بینه (Binet) و همکارانش مطالعه خود را پیرامون تفاوت‌های فردی با نگرش و شیوه دیگری آغاز نمودند . و عمدتاً " به توانائی‌های مختلف فردی در زمینه حل مسائل بازیابی اطلاعات و درک روابط مجرد (انتزاعی) پرداختند .

رفتار کودک را بطور عینی مورد مشاهده و ارزیابی دقیق قرار دهند .

در واقع آزمون هوش، از ساخت و ترکیبی برخوردار است که بوسیله آن هوش کودک بطور عینی قابل اندازه گیری میباشد و به همین دلیل عموماً " از مشاهده معلمان از رفتار کودک در مدت طولانی تر بهتر است . با اینکه هوش آزمایشی انفرادی طبیعتاً " بیشتر از جنبه عینی برخوردار است معهداً همواره بعنوان یک وسیله بالینی محسوب شده و در حوزه کار روان سنج یا آزماینده قرار دارد . با توجه بدین امر میزان صحت و اعتبار نتایج حاصله از سنجش هوش کودک بستگی زیادی بمیزان دقت و مهارت و صداقت شخص آزماینده و همچنین موقعیت و شرایطی دارد که کودک تحت آن شرایط مورد آزمایش هوش قرار گیرد .

در ارائه گزارش نتایج حاصله از آزمون هوش غالباً " از نحوه برقراری ارتباط و رابطه بین کودک و آزماینده در طول آزمایش شرحی داده میشود . یک رابطه خوب و صمیمی در زمان انجام آزمایش در رابطه با اعتبار نتایج حاصله از آزمون و شناخت و درک صحیح کودک بسیار مهم و قابل ملاحظه میباشد . و به همین دلیل بهره هوشی کودک تا حدی بستگی به آزماینده و زمان آزمون خواهد داشت . بعنوان مثال ، تحقیقاتی که بعمل آمده حاکی از آن است که وقتی کودکان سیاه پوست توسط آزمایشگران سفید پوست مورد آزمایش هوش قرار میگیرند در مقایسه با زمانیکه توسط آزمایشگران سیاه پوست آزمایش هوشی میشوند بطور قابل ملاحظه ای نمره هوشی کمتری را کسب میکنند . نکته قابل توجه دیگر ، مسئله عامل فرهنگی است که غالب آزمونهای هوشی عاری از آن

بینه با کمک همکارانش بویژه سیمون در سال ۱۹۰۵ اولین مقیاسی مقیاس هوشی خود را که شامل ۳۰ سؤال بود و بترتیب از آسان به دشوار تهیه گردیده بود ، ارائه نمود .

در سال ۱۹۰۸ بینه با تجدید نظری که بر آزمون خود بعمل آورد مقیاس تازه ای را با ۵۴ آزمون تهیه نمود و در سال ۱۹۱۱ دومین فرم تجدید نظر شده هوش آزمای بینه و سیمون بسا تغییرات اندکی انتشار یافت . بر اساس این آزمون سن عقلی کودک مورد سنجش قرار گرفته و مشخص میگردد .

در سال ۱۹۱۴ ، برای اولین بار مفهوم بهره هوشی (IQ) یا هوش بهره معرفی و ارائه میگردد بدین صورت که هوش بهره (IQ) حاصلی است از تقسیم سن عقلی کودک بر سن تقویمی و ضربدر صد .

$$IQ = \frac{M.A}{C.A} \times 100$$

بهره هوشی $\times 100 = \frac{\text{سن عقلی}}{\text{سن تقویمی}}$

در تهیه این آزمونها بکار گرفته شده است .

یکی از معیارهای نهائی اعتبار آزمونها آزمونهای هوشی نمرات تحصیلی دانش آموزان است . یک تست یا آزمون هوشی چیزی جز یک نمونه از رفتار شخص نمیشد که در یک مدت نسبتاً " کوتاهی به تصویر کشیده شده است تا میزان توانائی پیشرفت تحصیلی کودک را در مدرسه پیش بینی نماید .

لذا به نظر میرسد معلمی که ماهها و سالها با کودک سرو کار دارد احتمالاً " بهتر میتواند استعداد و کنشهای ذهنی و کارائی دانش آموز خود را ارزیابی نماید ، تا روان سنج آزموده ای که فقط حدود دو ساعت با کودک سروکار دارد . مع الوصف تعدادی از معلمان قادر نیستند که

نیستند و این عامل در رابطه با گروه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی بگونه‌ای متفاوت نمایان میگردد بعنوان نمونه وقتی که تصویری از چهار حیوان در یک طرف کارت و چهار نوع غذا در طرف دیگر کارت به کودک نشان داده شده‌واز او خواسته میشود که بگوید کدام غذا از آن کدام حیوان است، بدیهی است که برای آزماینده غیرمنتظره نخواهد بود که کودکان ایرانی از نوع غذای خاص خوک و سمور (از ۴ حیوان سگ و گاو و خوک و سمور) اطلاعی نداشته باشند، در حالیکه این سؤال برای کودکان اروپایی و امریکائی ساده بنظر می‌رسد و بالعکس برخی دیگر از سؤالات که حاوی عامل فرهنگ خاصی است میتواند صرفاً برای کودکان سرزمین نامناسب باشد. لذا

آندسته از آزمونهای هوشی میتواند در کشورها و فرهنگهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد که حتی الامکان عاری از بار فرهنگی خاص باشد.

در حقیقت عوامل و متغیرهای بیشماری در تعیین بهره هوشی کودک دخیل میباشند و کنترل تمامی این عوامل بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن بنظر میرسد.

بنابر این بهره هوشی کودک عمدتاً در رابطه با عوامل و شرایطی که در زمان انجام آزمون حضور داشته‌اند قابل تفسیر میباشد.

آزمون استانفورد بینه **Stanford Binet** از نقطه نظر تئوری نقایص زیادی دارد که با تعبیه و ارائه آزمون وکسلر (**Wechsler**) سعی شده است که این نقایص برطرف گردد. مقیاس هوشی وکسلر برای کودکان

یکی از مقیاسهای بسیار رایج هوش آزمای فردی میباشد و در مورد سنجش هوش کودکان عقب مانده ذهنی نیز کاربرد خوبی دارد، علاوه بر آزمون

هوشی وکسلر برای کودکان، مقیاس هوشی وکسلر برای بزرگسالان و مقیاس هوشی وکسلر برای دوره پیش از مدرسه و آمادگی نیز مورد استفاده روان سنج‌ها و متخصصین تعلیم و تربیت قرار میگیرد.

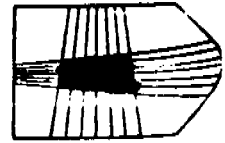
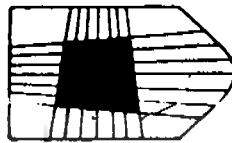
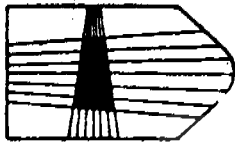
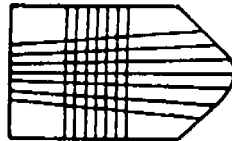
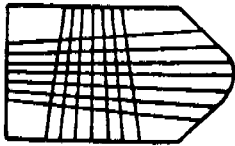
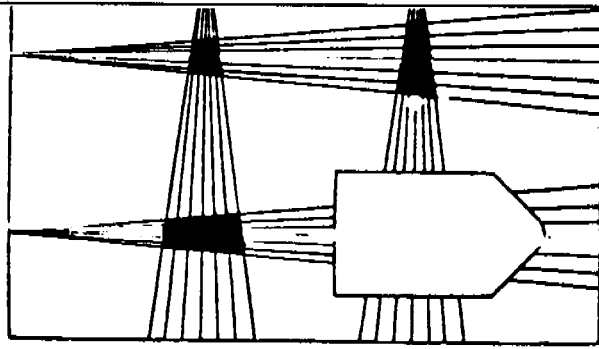
هر سه نوع مقیاس هوشی وکسلر از نظر ساخت تقریباً شبیه هم میباشند. آنها شامل قسمتهای کلامی و غیر کلامی بوده و به آزمونهای فرعی مختلفی تقسیم شده‌اند.

آزمون فرعی اطلاعات عمومی شامل موادی است که توانائی فرد را در بازیابی اطلاعات صحیح ارزیابی میکند. سؤالات این دسته از آزمونهای فرعی مربوط میشود به مقادیری از اطلاعات عمومی در زمینه‌های مختلف از قبیل تعداد روزهای هفته تعداد واحدهای یکسکه پول نویسنده داستان رمئو ژولیت و...

دومین گروه از آزمونهای فرعی، آزمون درک و فهم است که مربوط میشود به حل مسائل در شرایط معمولی و در موقعیت تازه و غریب.

این آزمون فرعی بر خلاف آزمون فرعی اطلاعات چندان ارتباطی به میزان سواد فرد نداشته و بسیاری از کودکانی که از نظر فرهنگی دچار محرومیت‌هایی بوده‌اند نسبت به آزمون فرعی اطلاعات عمومی در این آزمون نمره نسبتاً بیشتری بدست میآورند. موادی که در این قسمت از آزمون فرعی وجود دارد شامل سؤالاتی است از قبیل: وقتی انگشت دستت برید چه میکنی چرا بهتر است خانه را با آجر ساختن با چوب و چرا باید شخص سر قول خودش بایستد.

آزمون فرعی حساب تاثیر پذیری زیادی از آزمون پرورش (سواد) داشته و همچنین با میزان توانائی فرد در دقت و تمرکز حواس برای مدت طولانی همبستگی مثبتی دارد. در این آزمون فرد



هر دو میوه هستند . نمره کودک از این آزمون بر اساس اینکه برچه پایه‌ای (عینی یا ذهنی) روابط مشترک بین دوشیئی رادر مییابد تعیین میگردد . این آزمون فرعی مخصوصا " متاثر از سواد و آموزش و پرورش فردنمیباشد اما احساس تر از آزمون فرعی درک و فهم میباشد . آخرین قسمت از آزمونهای فرعی در مقیاس کلامی آزمون معنای لغات بوده که بیانگر مهمترین سنجش هوش عمومی است . محدودیت اصلی این آزمون فرعی مربوط میشود به تاثیری که تعلیم و تربیت و امکانات فرهنگی بر وسعت خزانه لغات شخص میگذارد . مجموعه نمرات عملکرد کودک در ۶ آزمون فرعی فوق الذکر در قسمت مقیاس کلامی میزان هوشبهر کلامی کودک بوده و بیانگر استعداد تحصیلی او میباشد .

علاوه بر مقیاس کلامی ، پنج آزمون فرعی

داشته باشد نشانه‌ای است از نقص و ناتوانی او بنظر میرسد تمرکز حواس رابطه زیادی با سلامت عاطفی و هیجانی شخص دارد .

آزمون فرعی وسعت یا دامنه ارقام نیز توانائی فرد را در حفظ و بازگوئی صحیح و منظم ارقام میسنجد اگر چه این آزمون فرعی یک نمودار ضعیفی است از هوش عمومی فرد بنظر می رسد که متاثر از میزان اضطراب و دلواپسی فرد نیز باشد . آزمون فرعی شباهتها ، توانائی فرد را در درک اجزاء و عناصر مشترک اشیاء و مفاهیم مختلف ارزیابی مینماید . بعنوان مثال ، از کودک سؤال میشود که هلو و آلو از چه نظر شبیه هستند . در یک سطح کامل عینی و واقعی کودک ممکن است تشخیص دهد که هر دو دارای هسته هستند و یا بر پایه ذهنی و انتزاعی ممکن است ، دریابد که باید پاسخ لازم را در مدت زمان محدود بطور شفاهی بدهد ، لذا اگر نتواند تمرکز روی مسئله

دیگر در آزمون وکسلر وجود دارد که مربوط میشود به هماهنگی بصری - حرکتی .

در آزمون فرعی تکمیل تصویرها از کودک خواسته میشود که نقص تصویر ارائه شده را پیدا کرده و نام ببرد . مبنای تهیه این آزمون بر این اساس استوار است که توانائی ادراکی و مفهومی شخص را اندازه گیری نماید که در این آزمون مهارت همانند بینی و شناسائی بصری اشیاء و اشکال معمولی دخیل میباشد . بعبارت دیگر این آزمون توانائی فرد را در تمیز دادن بین جزئیات اصلی و غیر اصلی اشیاء و تصاویر اندازه گیری مینماید .

آزمون فرعی آرایش با تنظیم تصویرها توانائی شخص را در درک کامل یک موقعیت اندازه گیری میکند . در این آزمون از کودک سؤال میشود که یک دسته از تصاویر را به طور مرتب و با آرایشی خاص کنار هم قرار دهد که این مجموعه بیانگر یک موقعیت مشخص و بازگو کننده حکایتی معقول باشد . بعضی از آزمایشگران اعتقاد دارند که این آزمون فرعی هوش اجتماعی شخص را میسنجد ، اما برخی دیگر از جمله خود وکسلر چنین نظر خاصی ندارند .

آزمون فرعی طراحی مکعبها ، توانائی شخص را در تقلید و بازسازی طرح و آرایش مورد نظر با استفاده از ۴ و ۹ مکعب رنگی مطابق طرحهای روی کارت اندازه گیری مینماید .

درواقع این آزمون یکی از بهترین معیارهای سنجش غیر کلامی استعداد تحصیلی میباشد . معهدا ، این آزمون نسبت به ضایعات جسمی بسیار متاثر بوده و نمره ضعیف در این آزمون گاه نشانه ای است از ضایعه مغزی .
آزمون فرعی الحاق قطعات اصولا " بصورت

یک جدول معما میباشد که در این آزمون از کودک خواسته میشود قطعات پراکنده یک شیئی یا تصویر را بیکدیگر الحاق نماید . این آزمون از نظر پایائی و اعتبار بسیار محدود میباشد . اما فرصتی است که آزماینده نحوه فکر کردن و کار کردن آزمودنی را مورد مشاهده قرار دهد .

آزمون فرعی ارقام و نشانهها ، این آزمون یکی از آزمونهای جایگزین نمودن رمزهاست کلید جانشینی رمزها شامل ۹ نماد یا نشان است که هر یک با یکی از ارقام همراه شده است و با ارائه کلید راهنما به کودک از او خواسته میشود که زیر هر یک از رقم هانشان یا نماد مربوط به آنرا در زمان محدود (۱/۵ دقیقه) مشخص نماید .

در این آزمون درستی و سرعت عمل آزمودنی که نشانی است از توانائی هوشی آزمودنی اندازه گیری میشود ، در این آزمون تجارب جدید یادگیری ، از قبیل مهارت و تیزی بصوری هماهنگی حرکتی و عوامل مربوط به حافظه نیز دخیل اند .

این آزمون نسبت به بی قراری و تزلزل هیجانی و عاطفی حساس میباشد ، زیرا کودکان بی قرار و هیجان زده به سختی میتوانند برای مدت زمان لازم تمرکز داشته و از عهده آزمون ارائه شده بخوبی برآیند . مجموع نمرات کودک در آزمونهای فرعی مقیاس هوش غیر کلامی محاسبه شده و هوشبهر کودک در این قسمت (غیر کلامی عملی) تعیین میگردد . از نقطه نظر تئوری پیش بینی میشود که نمرات هوشی کودک در مقیاس کلامی غیر کلامی ، تا حد زیادی نزدیک بهم باشند . اگر چنانچه اختلاف فاحشی بین نمرات هوش کلامی و غیر کلامی کودک مشاهده گردد ، احتمالا " نمودی است از ناراحتی هیجانی یا بدنی کودک که باعث ضعف کودک

در یادگیری صحیح می‌گردد. حاصل مجموع نمرات آزمونهای فرعی مقیاس کلامی و غیرکلامی مقیاس هوشبهر کودک را تشکیل میدهد که این نمره در واقع هوشبهر نسبتاً ثابت و مشخص می‌باشد. ولی در هر حال این نمره نیز نمیتواند لزوماً نمود کامل را "معتبری از هوش کودک باشد، بویژه آنکه داشتن هوشبهر نسبتاً قوی در بخش مقیاس کلامی ممکن است بیشتر بیانگر استعداد تحصیلی کودک باشد.

در اینجا بعنوان نمونه به جهت آشنائی با شیوه استفاده روانشناسان و روانسجان از داده‌ها و مجموعه نمرات حاصل از آزمونهای فرعی مقیاس و کسرها برای شناخت و درک هرچه بیشتر آزمودنی، به نمرات آزمون یک کودک در این مقیاس اشاره میکنیم. با نگاه به نمرات کودک و بر این مبنا، ما دلایل کافی داریم که این کودک توانائی پیشرفت تحصیلی را در سطح بالاتر از کلاس خود در مدرسه دارد، اما مناسفانه در عمل این کودک پیشرفتی در مدرسه نداشته است، در کوشش و تلاشی که باید جهت روشن شدن شرایط خاص این کودک مبذول گردد "مقدمتاً" نگاه دقیقی به چگونگی نمرات کودک در آزمونهایی فرعی میکنیم. نمرات مقیاس هوشی و کسرها از ۲۰ پیش بینی شده است و ما متوجه میشویم که بالاترین نمره کودک در این گروه آزمونها، در آزمون فرعی درک و فهم میباشد که نمره ۱۹ را بخود اختصاص داده است.

همانطوریکه قبلاً ذکر گردید، این آزمون فرعی مربوط است به حل مسئله در شرایط و موقعیت عادی و جدید. همچنین متوجه میشویم که این کودک در آزمون مربوط به معانی واژه‌ها نمره نسبتاً خوبی (بالاتر از نمره متوسط گروه سنی خود) را بدست آورده و این حاکی از آنست که کودک از توان و سلامت کلامی خوبی برخوردار است. صرفاً بر اساس همین مقیاس هوشی ما میتوانیم نتیجه گیری نمائیم که بهره هوش کلامی کودک حداقل تخمینی است از توانائی بالقوه کودک در هوش کلامی و احتمالاً این کودک از مهارت زبانی بسیار خوبی برخوردار است اما فاقد توانائی لازم در استفاده از آنست. کمترین نمره این کودک در مقیاس کلامی مربوط به آزمونهای فرعی حساب و حفظ ارقام میشود که هر دوی این آزمونها نسبت به اضطراب و دلواپسی و ناتوانی در تمرکز حواس حساس بوده و متاثر از آنها میباشند. بنابراین بدون داشتن شواهد دیگری از مشکلات هیجانی این کودک میتوانیم فرض داشت که توان هوشی این کودک بدلیل مشکلات هیجانی و عاطفی آسیب پذیر بوده است اینک با نگاه به نمرات کودک در مقیاس هوش عملی متوجه میشویم که این کودک در آزمون فرعی تکمیل تصویرها بالاترین نمره را بدست آورده است و این بدان معناست که این کودک در تشخیص و تمییز اجزاء اصلی و غیر اصلی در تصویر از توانائی

لَا تَضْرِبْهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تَطْلُ .

فرزند را زدن با او محبت کن می‌گهرت را ادامه نده .
حضرت رسول ص

ضمن عرض سلام به حضور معلمان نوپا و جوان و آرزوی توفیق برای این عزیزان و خادمان فرهنگ . در گفتگوی قبل در مورد واژه معلم و شرط اول معلم خوب بودن و معلم خوب شدن ، سخن به میان رفت و مطالبی گفته شد . و اکنون ادامه گفتار .

— معلمی هنر است

می‌گویند خیاطی هنر است . می‌گویند خراطی هنر است . معماری هنر است . نجاری و نقاشی ساختمان و قالی بافی و خشت زنی هنر است ! سخنوری و آواز خوانی ، هنر است قبول می‌پذیریم ، و پذیرا شویم که معلمی هم هنر است و خیلی هم هنر است و معلم خوب هنرمند است و خیلی هم هنرمند است . جامعه سالم قسدر و منزلت هنر سالم را می‌داند ، جامعه سالم بی‌هنر سالم نفس نمی‌کشد ، جامعه سالم قدر و منزلت معلم سالم را می‌داند و ضرورت آن را احساس می‌کند . در جامعه اسلامی هنر منزلت دارد . هنر شرط و شرایط دارد ، شرط اصلی آنکه الهی باشد و جنبه الهی بودن آن خیلی حرف است و خیلی شرط است . معلم خوب بودن و معلم بودن هم در فرهنگ اسلامی تعریف و معیار دارد ، انگیزه دارد حرکت دارد ، جهت حرکت دارد حرکت مداومی دارد حرکت الهی دارد ، هدف عالی دارد و پشتوانه کسار و حرکت او ، فرهنگ غنی اسلامی است ، قرآن مجید است ، معارف پاک اسلامی است و هدف او شکل دادن به شخصیت

معلم در آینه



وجویا و پویا شود . معلم باید باروح و روان دانش آموز پیوند و الفت داشته باشد . معلم حالت های روحی افراد را درک کند . ازحالت نگاه بجهها خیلی مطالب ، خیلی حرف هسا ، خیلی چیزها را درک نماید . بجهها عالمی دارند . ذهن وافکار تودرتو و پیچیده ای دارند ، حساس و ساده دل و پاک وزود باورند . حامل خیلی از درگیری ها و مسائل عاطفی و خانوادگی هستند ، نزاع و اختلافات خانوادگی سخت عذابشان می دهد و گاهی با کولباری ازغم و اندوه به مدرسه و کلاس می آیند . و معلم باید این همه

و منش انسان ها است . آیا انسان سازی هنر نیست ؟ آیا انسان ساز ، هنرمند نیست ؟ سروکار معمار با زمین و تیر آهن و آجر و سیمان است . سر و کار خیاط با پارچه و قیچی و الگو و جرخ و اندازه است . سروکار خراط با چوب است و سروکار معلم با روح و مغز و اندیشه است ، سروکار معلم با عاطفه و ایمان و عقیده است . سروکار معلم با آینده است .

در دست های خیاط ناشی پارچه تباه می شود . در دست ها و چشم های معمار ناشی ، معمار سرسری خشت و خانه تباه می شود ، و در دست های معلم ناشی ، انسان تباه می شود . انسان هرز و هدر می رود و انسان خراب بدفرجام می شود . مگر ارزش چوب و رنگ و آجر و پارچه از ارزش انسان فزون تر است ؟ مگر منزلت سنگ و دیوار و کاغذ از انسان برتر است ؟ بی تردید انسان افضل است . بی تردید انسان اشرف است . اگر تو معلم خوب و موفوق و کاردان و کار سازی هستی ، اگر تو معلم بردبار و خوش خلق و پاک اندیش و مسلمانی هستی ، اگر تو معلم باسواد و خوش کلامی هستی ، معلم منظم و دقیق و باعاطفه ای هستی در راه خدا می روی ، اگر تو به هدف و شغل خود عشق می ورزی ، با مطالعه و کتاب زندگی می کنی متواضع هستی ، اگر تو با چشم غضب ، با چشم نفرت ، با چشم عداوت به دیگران نگاه نمی کنی خیلی معلم خوبی هستی . و معلم بودن ، یعنی هنرمند انسان بودن .

۴ - معلم ، انسانی یا بعد وسیع .

بینش معلم گسترده است . معلم نمی تواند در مدار بسته زندگی کند . معلم باید در فضای باز و گسترده معارف و فرهنگ اسلامی پر و بال بزند





زبان می‌توان خانه‌ای را خراب کرد و با زبان
میتوان خانه‌ای را آباد کرد. از زبان میتوان نوش
ساخت و از زبان می‌توان نیش پرورد .

مولوی ، چه عالی گفته است .

ای زبان تویس زبانی مرمر

چون تویی گویا بگویم من ترا

در نهان جان از تو افغان می‌کند

گرچه هر چه گویش آن می‌کند

معلم باید ، متوجه گنج و رنج زبان باشد
بداند که گاهی نعمت خداوند ، اگر در راه صحیح
بکار نرود موجب رنج و حرمان و گرفتاری می‌شود .
زبان ، از نعمت‌های بزرگ الهی است .

اما به خاطرمان باشد که :

ای زبان هم گنج بی پایان تویی

ای زبان هم رنج بی درمان تویی

سخن معلم باید نرم ، روان ، گرم ، با محبت باشد
زبان معلم راه عفت برود . زبان معلم به فحاشی
کشانده نشود . زبان معلم راه صادق و راه صداقت
برود . زبان معلم ، موجب آزار و عذاب و
شرمساری نشود . زبان معلم به دشنام و هزره‌گویی
کشانده نشود . معلم اگر سواد و معلومات کافی هم
داشته باشد ، اما فاقد زبان و بیان باشد ، خیلی
بدشانس است . صدا و صوت و کلام و بیان معلم
هم نعمت ارزنده‌ای است . معلمان عزیز باید
متوجه این مهم باشند و از نقش و کار برد زبان
غافل نباشند . تا ادامه گفتگو خداوند بزرگ
بارو یاورتان باد .



در دورنج و حرمان را احساس کند ، درک نماید .
قضاوت شتاب زده نکند . داوری عجولانه نکند .
بداند که کودک و نوجوان و جوان رویاروی او
حامل خیلی مسائل است . حامل خیلی گرفتاری
هاست . مادر ندارد . پدرش از دنیا رفته ،
برادرش جوانمرد شده ، پدر زن نواختیار کرده
نامادری دارد ، ناپدری دارد ، نیم سیراست .
با صاحب خانه نزاع داشته‌اند ، خواهی طلاق گرفته
دارد . نقص عضو دارد . لکنت زبان دارد . و
خیلی مشکلات دیگر . معلم باید تک این
موارد را درک نماید و در حد توان مرحم و محرم
باشد . اینجاست که معلمی شغل انبیا
می‌شود .

۵- نگاه و سخن معلم .

جفت چشم ها ، نعمت های عزیز خداوند است
وجفت چشم‌ها عالمی را می‌ارزد . جفت چشم‌ها
حرف می‌زند ، نفرت را بیان می‌کند ، غضب را
نشان می‌دهد ، محبت را بازگو می‌کند قدرشناسی
را نشان می‌دهد ، خستگی را می‌رساند . آمادگی
را بازگو می‌کند ، نگاه عالمی دارد . نگاه صد معنی
و مفهوم دارد . نگاه معلم ، حالت نگاه معلم بسیار
پر حکمت است . نگاه دانش‌آموز در نگاه معلم
خیلی شرط است . با نگاه هم می‌شود تنبیه کرد
و چه‌کار جالب و خوبی . با نگاه هم می‌شود ارشاد
کرد و هشدار داد ، که عمل مطلوب و مورد
پسندی است .

زبان هم ، نعمت دیگر ذات پروردگار است
با زبان می‌توان مکنونات درون را بیان کرد بازگو
نمود . با زبان می‌توان در میان خرمن آتش
انداخت و بازبان می‌توان آتش را خاموش کرد . با



آوردخت بدعی

از خاطرات یک مادر

با وجودیکه خانه مریم ، خواهرزادهام نزدیک خانه ماست ، بعلت بندرت بیدامی کنم . امروز صبح سر زدن باو را بندرت بیدامی کنم . امروز صبح که برای خریدگوشت رفته بودم ، سری هم به سری فروشی زدم ، و چندکیلو رفته بودم ، سری هم به سری تصمیم گرفتم به مریم سری بزنم و ضمن صحبت بااو و صلورحم ، سبزیها را پاک کنم ، سر راه خانه رازدم و مریم در بازار کرد از دیدنم خیلی خوشحال شد ، باهم باطاق رفتیم ، دختری کوچولوش مرجان نشسته بود و عروسک بازی میکرد با دیدن من بطرفم دوید و طبق معمول بوسه ای بدارم کرد در آغوش گرفته و بازش کردم اوهم بالیخند محبت متقابل خود را نشان داد . از مریم روزنامه ای خواستم ، سبزی رازوی روزنامه گذاشتم و شروع بپاک کردن نمودم و از هر دری سخن گفتم .



مرجان برخاست که به دستشویی برود سر راه به گلدان کنار در برخورد پایش درد گرفت و شروع به گریه کرد. گفتم مریم جان، جای گلدان مناسب نیست، سر راه بچهاست. گفت خاله جان جای مناسب تری توی خانه ما برایش سراغ داری؟ کنجاو شده و دوروبرم رابا تجسس نگاه کردم دیدم اطاق مریم دور از چشم شما، مثل سمساری ملو از اثاث زینتی است، پارتیشن وسط دو اطاق که قیامت است! هر گوشه کناری میزی گذاشته و رویش مجسمه یا گلدانی. دیدم واقعا" جای دیگری نیست گفتم عزیزم مگر مجبوری خانقات را به کادو فروشی تبدیل کنی؟ گفت چه کنم؟ از اطاق لخت مثل کف دست بدم می آید تازه مردم چه میگویند؟ اگر پس از چند سال زندگی دکور اتاقم جالب نباشد به سلیقه ام ایـراد نخواهند گرفت؟

گفتم: والله کسی که بچه باین کوچکی دارد خانه اش را برای راحتی خود و شوهر و بچه اش تزئین می کند. چکار به نظر مردم دارد؟ این طفلک جای تکان خوردن ندارد، برای بازی بهر طرف رو می کند ملو از آت و آشغال حیاط که ندارید آپارتمان هم که خودش برای کودک محبس است، حالا تو این محبس راهم برای بچه راحت و قابل بازی نمی کنی؟

مبادا به زینتت بر بخورد؟ بگو ببینم خانسه زندگی برای رفاه ما و راحتی فرزندانمان است یا ما برای قشنگی خانه هستیم؟ با تعجب نگاهم کرد و گفت خب البته زندگی برای ماست گفتم پس تو چرا عوضی کار کرده ای؟ گفت حق باشماست. تازه مرجان اغلب هوس می کند وسائل روی پارتیشن را دستمالی کند منمهم یا مجبورم سرش راه کار دیگری مشغول کنم یا اعتنایش نکنم که قهر کرده گریه می کند گفتم حق دارد، بچه کنجاو است

میخواهد با حس لامسه ماهیت اشیاء را دریابد باید بغلش کنی و بگذاری اشیائی را که دستش نمی رسد لمس کند، گفت همه شکستی است می ترسم بیندازد خرد کند. گفتم ارزش اشیاء برای ما مطرح است، برای بچه زر و گاه فرقی ندارد از ماهیت هر دو می خواهد سردر بیآورد تا حس کنجاویش را تسکین دهد. اگر میخواهی از شر این مسائل راحت باشی باید این وسائل را جمع کنی. گلدانها را توی راهرو بچینی و وسائل تزئینی را درون کابینت ها، جای دهی. خلاصه خانه را مثل مسجد خالی کنی. آنوقت خودت نگرانی شکستن اشیاء را نخواهی داشت بجهات هم راحت و خوش می توانی توی اطاق بگردی و بازی کنی. ماهم تا بچه هایمان کوچک بودند همین کار را می کردیم.

گفت نمیدانم چرا مرجان خیلی زود از اسباب بازیهایش خسته می شود اصلا" برای هیچ چیز ارزش قائل نیست گفتم جانم، بچه ها که مثل من و تو فکر نمی کنند از هر وسیله ای برای ارضای حس کنجاویشان استفاده می کنند و وقتی ارضاء شدند آنرا بکناری می اندازند و غمی هم از شکستن یا نابود کردن اشیاء بخود راه نمیدهند اگر ما بزرگترها هم همین طور بودیم هرگز افسوس گذشته و فقدان دارائیهای خود را نمی خوردیم. هنوز هم مهدی من نسبت به بچه های اجناس بی اعتناست همین یکماه پیش بود که توپ والیبال سیصد و پنجاه تومانیش را که با پس انداز یکسالش خریده بسود دوستش زیر ماشین انداخت و ترکاند. البته قول داد که عوضش را برایش بخرد بعد هم بدقولی کرد.

وقتی‌اشیائی متعلق بخودش داشته باشد دیگر سراغ وسائل مهدی نمی‌رود هر وقت هم که با مهدی شروع به توپ بازی توی اطاق می‌کنند فوراً " بحیاط می‌فرستمان و تذکر می‌دهم که حیاط جای توپ بازیست نه اطاق ، زیر پاگرد پله راهم فرش کرده‌ام و ساک اسباب بازیهای مهران را آنجا گذاشته‌ام هر وقت میخواهد توی اطاق ریخت و پاش کند و مزاحم ما بشود بزیر پاگرد که اطاق کوچک خودش شده می‌فرستمش . بچه‌ها باید جای مخصوصی برای بازی خودشان داشته باشند تا هم خودشان راضی باشند وهم ماریحت باشیم .

مریم گفت عیب مرجان اینست که خیلی فضول است مدام توی کمد و کشوهای من میگردد ، اشیاء را دستمالی می‌کند گاهی هم سرکیف خیاطی من می‌رود و قیچی را برمیدارد و از دم هر چه بدستش می‌رسد می‌برد ، گفتم باید یک کشواز کمدت را در اختیارش بگذاری ، آن کشو پائینی خوبست . برایش خالی کن بگو از اشیاء خودش مثل اسباب بازی و جوراب و کتاب قصه و دفترش را توی آن بگذارد . یک قیچی نوک گرد بچه‌گانه هم برایش بخر بهش روزنامه یا دم قیچی بده تا آنرا بمیل خود ببرد .

ما هم وقتی بچه بودیم بچی خودمان را کرده‌ایم ، بزرگترهای ما، از بزرگترهای بچه‌هایمان با حوصله‌تر بودند بجا اجازه میداند توی حیاط خاک و شن بازی کنیم ، خانه بسازیم . خشت بزنیم و ساخته‌ها را خراب کنیم اجازه میدادند شیرینی درست کنیم با ساور کوچولوی خودمان جای دم کنیم توی استکان نعلبکی و قنادان کوچکی که مادر بزرگ از قم برایمان خریده‌چای و قند بریزیم و مهمان بازی کنیم آنها می‌گذاشتند ماهمه کارهایشان را تقلید کنیم . بادستان کوچک خودمان بپزیم ، شیرینی درست کنیم — برای

مهدی ناراحت شد اما نه بخاطر پول توپ بلکه بخاطر بدقولی دوستش . وقتی موضوع را بمن گفت گفتم عزیزم تاوان گرفتن در اسلام درست نیست . ممکن بود خودت موقع شوت کردن توپ را زیر ماشین بیندازی باید گذشت کنی . با دوستت هم آشتی کن ، اگر بخواهی بخاطر مسائل مادی با مردم ترک رابطه کنی که همیشه باید با همه قهر باشی . انسان باید گذشت کند تا بتواند اجتماعی زندگی کند .

مریم خندید و گفت ، خاله جان شما چه راحت از اینهمه پول میگذری ؟ گفتم تربیت فرزند از جمع کردن مال مهمتر است ، حالا بگیرم که من مهدی را دعوا کرده‌کتک می‌زدم ، چه فایده‌ای داشت ؟ اگر شهامت و اعتماد بنفسش را می‌گوفتم که سیمد و پنجاه تومان زنده نمی‌شد ! گفت راست می‌گویی اگر ما برای همه مسائلمان اینطور فکر کنیم چه راحت می‌شویم . گفتم بله و در ارتباط با کودک باید نیازمندیهای او را در نظر بگیریم و از دریچه چشم او به کارهایش بنگریم ، اگر خرابکاریهایی که می‌کند تصادفی است و تنها بر اثر شادی و شغف کودکانه است که اشکالی ندارد . برای ارضای این احساسش باید اسباب بازیهای پلاستیکسی در اختیارش بگذاریم و اجازه دهیم در ساعاتی که حمام می‌کند اسباب بازیها را توی حمام ببرد و مدتی با آنها بازی کند .

مهران من گاهی از حسادت می‌کند که با مهدی دارد دفتر مشق مهدی را خط می‌کشد یا کتابش را پاره می‌کند ، برای جلوگیری از این کار ، من سعی کردم که اولاً " محبت بیشتری به مهران بکنم تا فکر نکند ، همه علاقه‌من و پدرش متوجه مهدیست و باو توجهی نداریم ثانیاً " یک دفترچه مخصوص خودش باو دادم کتاب قصه هم برایش خریدم .



بدهیم و بگذاریم طفل عقده خودش را سراشیب خالی کند اگر با او مدارا کنیم کم کم یاد می‌گیرد که از چه وسائلی میتواند استفاده کند و بجهه وسائل نباید دست بزند، ممکن‌ها و غیرممکن‌ها را بتدریج با آزادی که باومی‌دهیم درمیابد اگر ما حوصله تحمل کارهای طفل و رشد او را داشته باشیم در تربیت هرچه سریعتر او موفق‌تر خواهیم بود خدا از خزانه غیبش حوصله یک مادر واقعی را به ما هم بدهد.

آمین

عروسکمان لباس بدوزیم رختهای عروسکمان را نوی طشت بشوئیم و سر حوض آب بکشیم چه روزهای خوشی داشتیم هیچ عجله‌ای برای بزرگ شدنمان نمی‌کردند می‌گذاشتند مناسب سن خود زندگی و رشد کنیم اما انصافاً "آیا ماهمانطورکه خودمان آزادانه بزرگ شده‌ایم بچه‌هایمان را بزرگ می‌کنیم؟ یا مدام بابکن و مکن‌های خود آنها را جری ولجبار می‌کنیم مگر کودک چقدر طاقت امر و نهی ما را دارد خسته و دلزده میشود عصبان می‌کند و برای فرونشاندن خشمش اشیاء را باطراف پرت می‌کند باید حوصله بیشتری بخرج

۱۴- اَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفئِدَةٌ .

یعنی شما نساغارش میکنم درباره جوانان نیوزقارنمایید چون

دل‌های آنها نازک‌تر است . حضرت رسول ص

تشخیص جانی فطری و وراثتی ، ازجانی عادی ، بسیار مشکل است .

بهرحال اخلاق به یک معنی ، موروثی است اگر چه ممکن است تاحدی تحت تأثیر محیط باشد ، و معمولاً کلمه " مزاج " در مورد امور وراثتی و کلمه " خلق " در مورد امور کسبی استعمال میشود . ولی اینکه خلق را کسبی میدانیم به وراثتی بودن آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد به این معنی : که خلق در عین موروثی بودن کسبی نیز میباشد . بنابراین مقدمات ، وراثت تنها عامل رشد و تکوین فرد نخواهد بود ، بلکه با مشارکت محیط ، در رشد افراد مؤثر است .

وصفات بد را از راه وراثت از پدر و مادر و یا اجداد خود دریافت کرده‌اند .

لذا جرمها بر دو قسم است : یکسلسله از جرمها انفعالی است ، و آن عبارت از جرمهایی است که به علت انفعال شدید و تائثر ، روی میدهد ، و مطلقاً " با عامل وراثت ارتباط ندارد . و گروهی از جرمها وراثتی است که در نفوس برخی افراد ریشه‌های عمیقی دارد ، و ایجاد نا همواریه‌ها در راه اصلاح اجتماع و تعلیم و تربیت میکند ، زیرا

نیازها ، علائق ، لذات ، آرزوها ، محبت‌ها و غیره خلق کرده و استعدادات متعددی در او نهاده و برنامه ویژه‌ای برای او تعیین نموده است تا انسان به اختیار خودش در فرصتی که روی دنیا برایش مقرر شده بمرحله اجرا در آورد در مسیر این مأموریت و مسئولیت انسان را بطور مستمر و مکرر می‌آزماید ، و اینست امتحان خداوند از بندگانش .

(بقره ۱۲۳) **وَ اذ ابْتَلٰٓی اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهَنْ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا**
 هنگامیکه خداوند ابراهیم را به‌اموری چند امتحان فرمود ، و او همه را بجای آورد ، خداوند بدو گفت من ترا به پیشوایی (امامت) خلسق برگزیدم

۱) طبق تعبیری که در المیزان جلد ۳۶ صفحه ۱۲۵ آمده است .

سخن فوق اشاره‌ای به وضعیت انسان در پیشگاه خالق جهانست در اینکه خداوند همواره ناظر افعال و اعمال اوست . او را بگونه خاصی شامل

